



بخش اول

کلیات



۱ - مقدمه

تفکر، از مهم‌ترین موهبت‌های خداوند به انسان است. هر انسانی از بدو تولد تا پایان و در تمام فعالیت‌های روزانه خود از این موهبت بهره می‌برد و زندگی خود را سامان می‌بخشد. بسیاری از انسان‌ها می‌کوشند از این بهره‌مندی معمولی فراتر روند، قدرت تفکر خود را تقویت نمایند و امکان رشد بیش‌تری را، در جنبه‌های گوناگون زندگی، برای خود فراهم نمایند؛ چرا که میزان موفقیت انسان، وابسته به قدرت تفکر وی می‌باشد.

تفکر، مانند سایر رفتارهای طبیعی و فطری انسان از قانون‌مندی و نظم خاص برخوردار است و فرایندی قاعده‌مند را طی می‌کند. علم منطق، علم شناسایی این قاعده و قانون است. کشف قواعد تفکر و احاطه بر آن‌ها سبب تسلط بیش‌تر انسان بر استدلال‌ها و کاهش خطاها می‌گردد.

گرچه آشنایی با منطق، که منطق تفکر است، برای هر فردی مفید می‌باشد و می‌تواند به‌عنوان یک درس عمومی تدریس شود اما از آن‌جا که دروسی مانند فلسفه و الهیات با استدلال‌های عقلی دقیق سر و کار دارند، همواره درس منطق به‌عنوان پیش‌نیاز این قبیل دروس تدریس می‌شده و طلاب و دانشجویان این رشته‌ها به یاد گرفتن آن اهتمام می‌ورزیده‌اند. هم‌اکنون نیز درس منطق در دانشکده‌های الهیات و علوم انسانی و همچنین در دوره متوسطه در رشته علوم انسانی و در رشته علوم و معارف اسلامی وجود دارد و تدریس می‌گردد.

برنامه درسی منطق پس از بررسی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام شده، تنظیم گردیده تا مبنای تألیف کتاب درسی و سایر مواد آموزشی و کمک آموزشی و نیز مبنای کار معلم در تدریس و ارزش‌یابی قرار گیرد.

۲ - فلسفه وجودی (ضرورت) ماده درسی

علمای منطق درباره ضرورت این علم گفته‌اند: «المنطق آله قانونیه تعصم مراعاتها الذهن عن الخطاء فی الفکر»^۱. منطق یک دانش ابزاری و وسیله‌ای است. مجموعه قواعدی است که اگر کسی بر آن‌ها آگاه باشد و در هنگام فکر کردن از آن‌ها کمک بگیرد، از خطای در فکر جلوگیری می‌کند. البته قواعد منطق، یک سلسله قواعد ابداعی به وسیله منطق دان نیست بلکه منطق دان، همان قواعد حاکم بر فکر را که در اندیشه هر کس هست، استخراج می‌کند و شاخه‌ها و شعب آن را به تفصیل

۱- المنطق، استاد رضا مظفر، چاپ فیروزآبادی، ص ۱۲

بیان می‌نماید. آگاهی و تسلط بر این شاخه‌ها و شعب است که سبب می‌شود انسان در استدلال‌های سخت و پیچیده کم‌تر دچار خطا شود و بتواند ساختمان و شکل استدلال خود را دقیق‌تر سازمان دهد. هم‌چنین، این تسلط سبب می‌شود که انسان بتواند شبهه استدلال‌ها (مغالطات) را از استدلال‌های واقعی باز شناسد و دیگران را متوجه اشتباهاتشان بنماید.

به همین جهت، ضرورت این درس در کنار درس فلسفه بسیار جدی‌تر است و هر کس که می‌خواهد درس فلسفه را بخواند، باید با منطق نیز آشنا باشد؛ زیرا بسیاری از مباحث فلسفی متکی بر تعاریف دقیق، استدلال‌ها و قیاس‌های پیچیده است. یک فیلسوف، به همان اندازه که باید بتواند استدلال‌های خود را درست و دقیق ارائه دهد، باید بتواند مغالطات دیگران را کشف کند و شبهه استدلال آن‌ها را نشان دهد.

به همین جهت بود که در دوره یونان، آن‌گاه که مبارزه با «سفسطه» و «سوفسطائیان» با سقراط آغاز شد و افلاطون و سپس ارسطو راه او را ادامه دادند و «فلسفه» را در مقابل «سفسطه» سامان دادند و تدوین نمودند، به تدوین منطق هم پرداختند.

البته منطق توسط ارسطو مدوّن شد، اما مقدماتی از آن در آثار افلاطون و به نقل از افلاطون، در کلام سقراط مشاهده می‌شود. سقراط، در مقابل سوفسطائیان تعریف دقیق از اشیا را مطرح کرد و ابهام در تعریف را زمینه‌ساز بسیاری از مغالطات دانست. افلاطون با روش دیالکتیک خود چگونگی رسیدن به تعریف درست و صورت‌بندی دقیق حمل و تصدیق را بیان کرد تا این‌که ارسطو عطف توجه به استدلال و حجّت نمود و آشکال استدلال را توضیح داد.

در دوره تمدن اسلامی که آثار یونانیان به زبان عربی ترجمه شد و مسلمانان با منطق و فلسفه آشنا شدند، بزرگانی به توسعه منطق کمک کردند تا نوبت به ابن سینا رسید که علاوه بر فلسفه، بزرگ‌ترین منطق‌دان جهان اسلام نیز محسوب می‌شود. وی برای نخستین بار منطق را با روشی قیاسی به دو بخش «معرف» و «حجّت» تقسیم کرد و منطق دو بخشی را پدید آورد. این تقسیم‌بندی تاکنون نیز ادامه دارد و در این راهنما نیز ابواب درس منطق بر اساس آن تنظیم شده است.

در دوره جدید، در غرب، با ظهور فلاسفه‌ای چون فرانسویس بیکن و رنه دکارت و تأکید یکی بر استقراء و دیگری بر ریاضی، منطق دچار فراز و نشیب‌هایی شد، اما هیچ‌گاه اعتبار خود را از دست نداد و از صحنه خارج نگردید. چرا که منطق یک دانش ابداعی نیست، بلکه بیان قواعد حاکم بر ذهن انسان و فکر اوست. به همین جهت این دانش نمی‌تواند از صحنه خارج شود، بلکه می‌تواند توسعه یابد و تبیین دقیق‌تر و کامل‌تری را بپذیرد.

با توجه به نکات فوق، آموزش منطق از دو جهت ضرورت دارد :

- ۱- منطق به رشد تفکر عقلی کمک می‌کند و به همین جهت در تمام علوم عقلی کارآیی دارد و این کارآیی در درس فلسفه که مبنای سایر علوم عقلی است بیش‌تر و جدی‌تر است.
- ۲- از آن‌جا که منطق، قواعد و روش استنتاج را می‌آموزد و درست فکر کردن را تمرین می‌دهد، در شکل‌گیری شخصیت عقلانی و منطقی هر دانش‌آموزی مؤثر است و درست اندیشی آنان را تقویت می‌کند. توجه کنیم که درس منطق فقط بیان اصطلاحات و قواعد منطقی نیست، بلکه در این درس، دانش‌آموزان قواعد استدلال و تفکر را تمرین می‌کنند و توانایی و مهارت کشف درست‌نماها (مغالطات) از حقایق را در محدوده برنامه، به‌دست می‌آورند و در هنگام اندیشیدن در مسائل مختلف به‌کار می‌گیرند.

۳- تفکر منطقی و برنامه‌های درسی

توانایی تفکر و اندیشه‌ورزی مهم‌ترین ویژگی ذاتی انسان است که منشأ تمام تصمیم‌گیری‌ها، اعمال و رفتارهای اختیاری است. اعتقادات، دانش‌ها، موضع‌گیری‌ها و همه فعالیت‌های بزرگ و کوچک انسان مبتنی بر تفکر است و ریشه در افکار و اندیشه‌ها دارد. به‌همین جهت تفکر و تعقل مهم‌ترین وجه هویتی انسان است.

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

دویدن کودک به سوی اسباب‌بازی، پریدن یک نوجوان در استخر، تصمیم یک فرمانده جنگ برای نبرد، همه با تفکر آغاز می‌شود. میزان درستی یا نادرستی یک نظر و سودمندی یا مضر بودن یک عمل بستگی غیر قابل انکاری به قدرت تفکری دارد که پشتوانه آن نظر یا عمل بوده است. خدای متعال توانایی تفکر را در آغاز تولد مانند بذری در وجود کودک قرار می‌دهد تا همراه با رشد سایر ابعاد وجودی او رشد یابد و شکوفا گردد.

اولین باغبان رشد دهنده این بذر، خود کودک است که با حس کنجکاوی فطری و جنب‌وجوش طبیعی به شکوفایی استعدادهای گوناگون خود، از جمله به شکوفایی توانایی فکری خود اقدام می‌کند. لمس کردن، برداشتن، انداختن و هر کار دیگر وی راهی برای فکر کردن و دریافتن و لذت بردن از دریافت‌هاست.

دومین باغبان بذر تفکر، پدر و مادر و سایر اعضای خانواده هستند. اینان به کمک کودک می‌آیند و با روش‌های صحیح راه را برای اندیشه‌ورزی وی باز می‌کنند و بذر تفکر را به نهالی بالنده

می‌رسانند. به همین جهت، آگاهی پدر و مادر به روش‌های تربیت عقلانی و چگونگی رشد تفکر از شرایط تربیت صحیح است. در صورت وجود این آگاهی و به کار گرفتن آن است که نه تنها به بذر تفکر آسیبی وارد نمی‌شود، بلکه به میزان قابلیت که دارد، رشد می‌کند و به کمال می‌رسد.

باغبان دیگر این نهال، مدرسه و نظام آموزشی است که مسئولیت تعلیم و تربیت کودک را می‌پذیرد و در چارچوب برنامه‌ای مشخص به تربیت وی می‌پردازد. به عبارت دیگر، برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی بستر بالندگی، رشد و شکوفایی استعدادهای فطری، از جمله تفکر است.

۴- رویکرد برنامه: «پرورش مهارت تفکر»

انسان موجودی متفکر است و تفکر ذاتی اوست. انسان هم از اندیشیدن در آفاق و انفس لذت می‌برد و هم به معرفت می‌رسد و هم امور زندگی خود را مبتنی بر معرفت‌های کسب شده سامان می‌دهد. فکر کردن امری قاعده‌مند است و دستگاه اندیشه مجهز به آن قواعدند. این گونه نیست که اندیشمندانی قواعد تفکر را ابداع کنند و به انسان‌ها تعلیم دهند. از بدو تولد و شاید قبل از آن، ذهن انسان تکون می‌یابد و کودک به فکر کردن می‌پردازد و در هنگام تفکر قواعد ساده و بسیط آن را به کار می‌برد.

دانشمندان علم منطق به کشف و استخراج این قواعد می‌پردازند و قواعد متنوع و پیچیده آن را تدوین می‌کنند و دانش منطق را بنا می‌نمایند. آموختن منطق، مهارت تفکر را در ما تقویت می‌کند و از افتادن در دام خطاها و گزاره‌های به ظاهر صحیح (مغالطات) حفظ می‌نماید. به میزانی که مسائل عمیق‌تر، پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌گردند و مراحل تفکر عمیق‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، لزوم تسلط بر قواعد منطقی که همان قواعد تفکرند، جدی‌تر می‌گردد.

با توجه به موارد فوق، رویکرد انتخابی در این درس، که با ماهیت و هدف آن نیز هماهنگی دارد، «پرورش مهارت تفکر» در دانش‌آموزان است. توجه به این رویکرد، در تعیین اهداف، تدوین محتوا، روش‌های تدریس و ارزش‌یابی تأثیر می‌گذارد و آنان را در جهت خود سامان می‌دهد.

تأثیر آن بر اهداف، این است که اهداف مهارتی که تقویت‌کننده مهارت‌های ذهنی است، اهمیت می‌یابد و مورد توجه کافی برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد. اهمیت دادن به اهداف مهارتی نیز به نوبه خود در تدوین محتوا و روش‌های تدریس مؤثر است. در این صورت، ساختار محتوا همراه با تمرین‌های متنوع و حل مسأله‌های منطقی خواهد بود و دانش‌آموز فرصت تمرین کردن خواهد یافت. معلم نیز در تدریس خود به سمت روش‌های فعال و مشارکت دادن دانش‌آموزان روی خواهد آورد و فرایند یاددهی - یادگیری اولویت پیدا خواهد کرد. بدین ترتیب در ارزش‌یابی هم اهداف مهارتی که مربوط به

مهارت‌های پرورش تفکر است اولویت خواهد یافت و از توجه بیش از اندازه به سؤال‌های حافظه‌ای اجتناب خواهد شد.

۵- اصول حاکم بر برنامه

با توجه به «فلسفه وجودی» این درس و رویکرد انتخاب شده برای آن، لازم است که اصول زیر در بخش‌های مختلف برنامه مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- باید بر فرایند یادگیری همراه با توجه به غایت و هدف آموزش تأکید گردد. در این درس راه یادگیری، چگونه آموختن و فرایندهای شناخت که در جریان یادگیری از یادگیرنده سر می‌زند خود از اهداف درس منطبق است و قدرت شناخت و استدلال کردن را تقویت می‌نماید.
- ۲- انگیزش درونی دانش‌آموزان باید در تمام اجزای برنامه مورد نظر باشد. انسان، هنگامی به آموختن موضوعی می‌پردازد و آن را با پشتکار دنبال می‌کند که نسبت به آن انگیزه درونی داشته باشد و در موقعیت جست‌وجوگری قرار گیرد. لازمه این امر آن است که محتواهای آموزشی به گونه‌ای انتخاب و سازمان‌دهی شود که تعادل ذهنی یادگیرنده را در هم بریزد و در نوعی عدم تعادل قرار دهد. همین عدم تعادل، انگیزش درونی در فرد ایجاد می‌کند تا برای رسیدن به تعادل مجدد، کوشش نماید و به‌طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت نماید.
- ۳- توانمند ساختن دانش‌آموزان در پردازش اطلاعات ارائه شده باید به‌خوبی انجام

پذیرد.

درس منطق چه بخش معرف و چه بخش حجت و استدلال آن، با توانایی ذهن در مرتب کردن مفاهیم ذهنی و تعیین نسبت آن‌ها با هم ارتباط مستقیم دارد. بنابراین پردازش اطلاعات و یافتن ارتباط میان آن‌ها و سازمان‌دهی مفاهیم جزئی و تشکیل یک کل از آن‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند که بتوانند به ساخت‌های ذهنی روشن و معنی‌داری برسند و از این ساخت‌ها در تعریف یا استدلال بهره ببرند.

۴- باید بر جنبه مهارتی درس منطق اهتمام شود.

از آن‌جا که این درس باید مهارت فکر کردن را تقویت نماید، نباید به صورت درسی که بیش‌تر جنبه شناختی و حافظه‌ای دارد، ارائه گردد. بلکه باید محتوای آموزشی و سایر اجزاء یادگیری دانش‌آموزان را درگیر مسأله و تمرین نماید تا با تمرین‌های گوناگون به تدریج در مهارت درست فکر کردن ورزیده شوند و منطق را درسی عملی و کاربردی بیابند.

۵- استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های جدید باید افزایش یابد.

از آن‌جا که این درس، مربوط به مهارت‌های ذهنی است و به دروسی مانند ریاضی نزدیک است، امکان استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های جدید سبب جذابیت درس برای دانش‌آموزان می‌شود و علاقه‌مندی به درس را بیش‌تر می‌کند.

۶- نقش و جایگاه عوامل و عناصر یاددهی- یادگیری

الف) دانش‌آموز

۱- دانش‌آموز دوره متوسطه که وارد مرحله استقلال فکری شده است، نیازمند هم‌صحبتی و همفکری، تبادل نظر و مشورت در امور است. هم‌چنین مشارکت و دخالت وی در کارها به رشد استقلالی او کمک می‌کند و شخصیت مستقل او را شکل می‌دهد.

۲- دانش‌آموز همان انسان صاحب کرامت و منزلت است که در قدم‌های آغازین راه زندگی است. مخاطبی با استعدادهای فطری، توانایی‌های خدادادی و ارزش‌های ذاتی.

۳- دانش‌آموز چون انسان است و شرافت ذاتی انسان را دارد، مخاطبی قابل احترام است. در گیرودار تعلیم و تربیت، توجه به حقوق انسانی وی و مراعات شأن و منزلتش یک اصل انکارناپذیر است.

۴- دانش‌آموز، یک ماده از مواد طبیعی یا یک گل در گلخانه منزل یا یک حیوان مطیع دست‌آموز نیست. او یک مخاطب فعال است. این فعال بودن تا آن‌جاست که به همان گونه که معلم بر او تأثیر می‌گذارد، وی نیز حالات و حرکات معلم را جهت می‌دهد. او با استعدادها و توانایی‌هایش پیش روی ماست، تحمیل و اکراه را بر نمی‌تابد و صمیمیت متقابل را می‌پذیرد و بر آگاهی خود تکیه می‌کند.

۵- دانش‌آموز موجود منفعلی نیست تا گفته‌های معلم را بدون تفکر و تعقل بپذیرد، که اگر چنین باشد، بیمار است و باید اصلاح شود. او آمده تا ندای هدایتی ما را بشنود، ببیند و آن‌گاه که حقیقت را یافت، به پیام زیبای الهی دل بندد و خود با قدم صدق در آن راهی که انتخاب کرده گام بردارد.

۶- او مخاطب فرشتگانی است که او را به سوی فردای زیباتر فرا می‌خوانند. به تعبیر امام خمینی (ره) از عموم مردم، به ملکوت آسمان‌ها نزدیک‌تر است. زیرا فطرت توحیدی او را که یادآور ملکوت خداوندی است، کمتر گرد و غبار غفلت پوشانده است.

۷- او اهل صدق و یکرنگی است. از این که دیگران از جمله معلم بخواهند برای او نقش بازی کنند، بیزار است. صدق گفتار هدایت‌گر را، در عملش می‌جوید و پیش از آن‌که به کلامش گوش دهد

به عملش می‌نگرد. او در این مورد حساسیت به حقی دارد. زیرا خودش به چنین کاری عادت نکرده و نمی‌تواند از کسانی که مس را به جای زر می‌فروشند تبعیت نماید.

۸- روح بی‌آلایش دانش‌آموز، زیبا و زیبایی دوست است. کلام زیبای معلم، آسوه‌های زیبایی تاریخی، طبیعت زیبای خداوندی، کلام زیبای قرآنی و هر اثر زیبایی دیگری او را مجذوب می‌کند، به سوی خود می‌کشاند و شوق و محبت را در دلش می‌پروراند. اگر زیبایی‌های حقیقی به او عرضه نشود، فرصت برای زیبایی‌های تقلبی و صوری یا مجازی فراهم می‌گردد، دام گستر می‌شوند و او را به دام می‌اندازند و این همان وجهه‌آسیب‌پذیر شخصیت دانش‌آموز است.

ب) معلم

۱- هادی علی‌الاطلاق و راهنمای حقیقی انسان خداست. اوست که می‌آفریند و به سوی غایت مطلوب هدایت می‌کند (قال ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی). پیامبران الهی و ائمه معصومین صلوات‌الله‌علیهم که واسطه‌های هدایت الهی در میان خلقتند، راهنمایانی هستند که تبعیت از آنها بدون قید و شرط می‌باشد (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم). هدایت آنها نیز به تبع هدایت الهی یک هدایت علی‌الاطلاق است. اما هدایت‌گری علما و معلمان و مربیان تربیت که در میان خلق کار تربیت و هدایت را بر عهده دارند، یک هدایت مشروط است و به میزان تبعیت آنان از رسول خدا و ائمه اطهار بستگی دارد.

۲- محور و مرکز تربیت، معلم و مربی است؛ او باید بتواند آن پیوند نامریی میان دو روح را ایجاد کند و با زیبایی‌های وجودی خود مخاطب را مجذوب نگاه و عمل خود گرداند.

۳- معلم در تربیت پیش از آن که یک آموزش‌دهنده باشد، یک اسوه است، اسوه‌ای از آنچه ادعا می‌کند و می‌گوید. این خاصیت تربیت است. تربیت، مقدر کسی است که آنچه را از مترقی می‌خواهد، خود دارا باشد.

ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

به تعبیر حکما «فاقد شیء نمی‌تواند مُعطی شیء گردد». باید مراتبی از کمال، زیبایی، خصائل و فضائل معنوی در وجود فرد باشد تا بتواند دیگران را بدان دعوت کند.

۴- تربیت که هدایت به خیر و نیکی است، پیش از آن که از طریق کلام و آموزش مفاهیم باشد، با عمل و از طریق عمل است. «کونوا دعاه الناس الی انفسکم بغیر السنتمکم»^۱
زیبایی نور و روشنایی خورشید و ارزشمندی آن، صرفاً با بیان عباراتی در شب تار میسر

نیست؛ باید صبح شود، خورشید عالمتاب از پس شب تیره طلوع کند و پرتوهای نورچشم را نوازش دهد تا شخص زیبایی و ارزش آن را ببیند و حس کند. چقدر تفاوت است میان توصیف زیبایی با خود زیبایی!

۵- خلوص و قصد قربت یکی از شروط اصلی معلم است. این جمله معروف شهید رجایی که «معلمی شغل نیست، هنر است، عشق و ایثار و فداکاری است، اگر شغل تو آن است رهایش ساز و اگر عشق تو آن است بر تو مبارک باد»

۶- معلم و مربی لبریز از محبت است. او با انسانی کار دارد که بالفطره پاک و زیبا آفریده شده و می تواند پاک و زیبا بماند. معلم دنباله‌رو کسی است که خداوند درباره‌اش فرمود: «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم»^۱.

۷- معلم و مربی پیش از آن که مداخله‌گر باشد یک ناظر دلسوز است. مداخله‌های سرزنش‌گرانه سبب تحریک مخاطب و ایستادگی او می‌شود. اما نظارت صحیح و تذکر و یادآوری لحظه‌های خطر نه تنها تحریک‌کننده نیست، بلکه مورد پسند دانش‌آموز نیز هست. او احساس می‌کند یک حامی و پشتیبان و راهنما دارد که در لحظه‌های سخت می‌تواند به او مراجعه کند.

۸- معلم و مربی دانش‌آموز خود را یک امانت الهی می‌داند؛ یک انسان دارای فطرت پاک توحیدی و پذیرای حق، که البته ممکن است گهگاه شیطان بر او غلبه کند؛ اما به این فطرت پاک توحیدی دانش‌آموز خود ایمان دارد، لذا به دانش‌آموز خود مسئولیت می‌دهد. اما می‌داند که یک انسان تسلیم و مطیع در آینده نمی‌تواند یک مسلمان متعهد باشد. این امر سبب می‌شود قوه اختیار و انتخاب دانش‌آموز پرورش یابد، در نتیجه، احساس شخصیت و هویت کند، نیروهای وجودی خود را آزاد نماید و شخصی مسئولیت‌پذیر باشد.

۹- معلم و مربی اهل مدارا و سعه صدر است. او می‌داند که دانش‌آموز متناسب با سن خود احساسات مختلف دارد، حالات مختلفی در او بروز می‌کند. گاهی تند می‌رود و گاهی کند، گاه پرخاشگر است و گاه انزواطلب و گوشه‌گیر، گاه مطیع است و گاه به تندی انتقاد و اعتراض می‌کند و همه چیز را زیر سؤال می‌برد، معلم با مدارا و سعه صدر دانش‌آموز خود را از بحران‌ها عبور می‌دهد و سالم به سرمنزل مقصود می‌رساند.

۱۰- معلم و مربی دارای کرامت، عزت نفس و اقتدار است. رفتار با کرامت و مقتدرانه او سبب می‌شود که نزد دانش‌آموز محترم باشد و سخنش بر او تأثیر کند. دانش‌آموزان نیز معلم مقتدر را که در

مقابل ناشایستگی‌ها رفتار عزتمند دارد می‌پسندد.

۱۱- معلم و مربی همواره در ارتقاء خود می‌کوشد. او با دانش‌آموزی کار می‌کند که با افکار نو و جدید مواجه است، اهل سؤال و نقادی است. او باید بتواند دانش‌آموز خود را با پاسخ‌های مناسب اقناع و اشباع کند. معلم اهل نوآوری و تحول در روش‌ها است. شیوه‌های کارآمد را می‌یابد، می‌آموزد و به کار می‌گیرد به همین جهت کلاس او با نشاط، فعال و مؤثر است.

۱۲- معلم رابطه‌ی مطلوبی با دانش‌آموز خود دارد، دانش‌آموز احساس می‌کند که معلم به او نزدیک است، می‌تواند با او درد دل کند و مشکلاتش را با او در میان گذارد. احساس می‌کند معلم با او صمیمی و صادق است، احساس می‌کند معلم خیرخواه و «ناصح» اوست، حامی و فریادرس اوست. در عین حال نوعی خشیت همراه با احترام در رابطه‌ی او با دانش‌آموزان حاکم است.

۱۳- معلم در نظم و کنترل کلاس خود تواناست. قدرت سازمان‌دهی دارد و در عین به‌کارگیری دانش‌آموزان و سپردن مسئولیت به آنان و گرفتن مشارکت آنان در درس، می‌تواند آنان را کنترل کند و تدریس را آن‌گونه که سامان داده و برنامه‌ریزی کرده، پیش ببرد.

۱۴- معلم فرآیند تربیتی را هم از نظر موضوع درسی که باید فرا گرفته شود و هم از چشم‌انداز یادگیرنده می‌شناسد و اینکه چه چیزی را باید در برنامه‌ی درسی و روش تدریس خود پیش‌بینی کند.

۱۵- معلم یک هنرمند واقعی است. او فعالیت علمی خود را هنرمندانه نظام می‌دهد و اجرا می‌کند. او برای متحد ساختن فکر و عمل دانش‌آموز تلاش می‌کند و در این تلاش هنر متعالی خود را نشان می‌دهد.

۱۶- معلم به‌جای آن‌که سخنران باشد، مدیر یادگیری است. او به‌جای القاء یک طرفه‌ی آموزه‌ها و بارش مفاهیم و اطلاعات، می‌کوشد که با مدیریت خود دانش‌آموزان را فعال کند و آنان را به یادگیری مؤثر بکشانند. وی توانمندی‌های گوناگون دانش‌آموزان را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که آنان بتوانند خلاقیت‌های فردی خود را نشان دهند و یادگیری پایدار محقق شود.

۱۷- معلم توانایی‌های حرفه‌ای خود را می‌شناسد. او می‌داند که این درس نیازمند توانایی حرفه‌ای ویژه‌ای است. این توانایی‌ها هم از جنبه‌ی شخصیتی و هم مهارتی است. چون نقش الگویی معلم در تعلیم و تربیت اهمیت دارد، او می‌کوشد به شخصیتی مؤثر و با نفوذ تبدیل شود. او اقتدار خود را حفظ می‌کند؛ در عین حال رابطه‌ای صمیمی، صادقانه و خیرخواهانه با دانش‌آموزان برقرار می‌کند. او هم‌چنین می‌کوشد مهارت‌های حرفه‌ای خود را توسعه دهد و مؤثرترین شیوه‌ها را به کار می‌برد. او با روحیه وارد کلاس می‌شود و با جدیت برنامه‌ی خود را پیش می‌برد. برنامه‌ای پرمحتوا عرضه می‌کند و

کلاسی فعال، پر جنب و جوش و با نشاط را سامان می‌دهد.

ج) محتوای آموزشی و رسانه‌ها

۱- محتوای آموزشی مجموعه‌ی اصول و مفاهیم و فعالیت‌هایی است که به کمک رسانه‌های مختلف به دانش‌آموزان عرضه می‌شود، فعالیت‌های یادگیری و یاددهی روی این محتوا انجام می‌گیرد و این محتوا مسیر رسیدن آنان به اهداف آموزشی می‌باشد. مطالب و فعالیت‌های پیشنهادی باید دقیقاً با هدف‌های کلی و هدف‌های پایه‌های تحصیلی در سه قلمرو یادگیری همسو باشد و تحقق آن‌ها را امکان‌پذیر نماید.

۲- بخشی از محتوای آموزشی در کتاب درسی تدوین می‌شود، بخشی در کتاب معلم قرار می‌گیرد تا دبیر به تناسب ضرورت‌های کلاس و توانایی دانش‌آموزان، آن‌ها را طرح نماید. بخشی نیز از طریق فعالیت‌هایی که برای دانش‌آموزان پیش‌بینی شده، تحقق می‌یابد.

۳- محتوای آموزشی تنها به کمک کتاب درسی در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد. بلکه علاوه بر کتاب درسی، باید از رسانه‌هایی مانند فیلم، CD، تصاویر و طرح‌ها نیز کمک گرفت و از ظرفیت‌های این رسانه‌ها بهره برد.

۷- روش‌های یاددهی - یادگیری

در آموزش منطبق بنا به ماهیت این درس، مجموعه‌ای از روش‌های تدریس توصیه می‌شود که با شرایط یادگیری در درس منطبق تناسب بیش‌تری دارد. مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر بیان می‌شود:

۱- زبان گفت و گویی (محواره‌ای): زبان آموزشی منطبق باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را از حالت شنوندگی صرف و تماشاگری محض در آورد و به موقعیت بازیگری و ایفای نقش در آموزش منطبق بکشاند، یکی از شیوه‌های مؤثر در این راستا استفاده از زبان گفت و گویی است، زبان گفت و گو در آموزش منطبق علاوه بر ایجاد طراوت و جذابیت، سبب می‌شود، دانش‌آموز با طرفداری از آرای یکی و یا مخالفت با دیدگاه دیگری عملاً در بحث شرکت کند.

۲- شیوه‌ی تحلیلی: در شیوه‌ی تحلیلی نقد و داوری، مسبوق به فهم و تصور روشن و واضح از مطلب است و لذا بر تحلیل ادعا و روش بیان کردن سخن تأکید می‌شود و در شیوه‌ی تحلیل، دو گونه تحلیل متمایز اعمال می‌گردد: تحلیل مفهومی و تحلیل گزاره‌ای

— تحلیل مفهومی: مراد از تحلیل مفهومی آن است که هر مفهومی که برای اولین بار با آن

روبرو می‌شویم ابتدا به تحلیل آن بپردازیم و مفاهیم سازنده آن را به دست آوریم و عمل تحلیل به مؤلفه‌ها را تا به حدی پیش ببریم که مفهوم به صورت کامل، واضح و متمایز باشد و از مفاهیم مشتبه و متشابه جدا شود.

— **تحلیل گزاره‌ای**: گزاره علاوه بر مفاهیمی که از آن‌ها تألیف می‌شود، خود ساختار خاص (ناشی از تألیف) دارد. فهم معنای گزاره صرفاً فهم مفاهیم سازنده آن نیست، بلکه تحلیل ساختار گزاره نیز لازم است. ساختار معنایی گزاره در گرو بسیاری از امور است: ساختار نحوی، ساختار منطقی، متن و امثال آن.

ابزارهای فراوانی برای تحلیل مفاد و مضمون یک گزاره در دست است: تحلیل ساختار منطقی، تحلیل مبانی معرفتی، تحلیل لوازم، نتایج و توابع.

۳— **روش جدالی نظام‌مند**: روش جدالی (دیالکتیک) و چالش نظام‌مند در آموزش منطق از حیث افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان و تشدید قدرت اندیشیدن بسیار مؤثر است. ساده‌ترین شیوه در چالش‌زا کردن برنامه آموزشی، طرح آرای مختلف و نقد و داوری نظرگاه‌های متخالف است. سن دانش‌آموزان بیش و کم سن استقبال از چالش‌ها و لذت بردن از نزاع فکری است. البته افراط در این امر می‌تواند موجب سرگشتگی شود. این شیوه مجال بررسی تطبیقی را نیز فراهم می‌آورد که خود از سبک‌های موفق در یادگیری است. مناظره نیز نوعی روش فعال و پویاست که در آموزش منطق کاربرد دارد و نزدیک به روش جدالی است. روش جدالی و مناظره، علاوه بر این که جدال‌کنندگان و مناظره‌کنندگان را به تفکر سریع وادار می‌کند، در تماشاگران نیز تأثیر دارد و آنان را به فکر کردن برای داوری و قضاوت می‌کشاند.

۴— **روش ایفای نقش**: در مباحث منطق سال سوم امکان استفاده از این روش وجود دارد؛ برای مثال دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از محاورات سقراطی ایفای نقش کنند و مباحث را به نمایش بگذارند.

۵— **روش پرسش و پاسخ**: در این روش معلم با طرح پرسش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده و سامان‌دهی به پاسخ‌های دانش‌آموزان، زمینه را برای تحقق اهداف درسی فراهم می‌کند. دقت در تهیه پرسش‌ها از سوی معلم و مدیریت مناسب جلسه پرسش و پاسخ به‌ویژه از جهت تنظیم زمان در این روش اهمیت زیادی دارد. برای مثال بهتر است روند پرسش‌ها از مسایل ساده و ملموس به سمت مباحث پیچیده باشد.

مراحل تدریس

۱- انتخاب عنوان توسط معلم: معلم در این مرحله، سؤالی را بر روی تابلو می‌نویسد، موفقیت این روش اغلب به سؤالاتی بستگی دارد که معلم در پی یک دیگر مطرح می‌کند. معمولاً معلمان برای تشویق و درگیری دانش‌آموزان برای ورود به بحث، ابتدا از سؤالات پیش‌پا افتاده شروع می‌کنند یا از سؤالاتی که همه دانش‌آموزان پاسخ آن‌ها را می‌دانند، سپس نوبت به سؤالاتی می‌رسد که به سطوح شناختی و ادراکی عمیق‌تر و وسیع‌تری نیاز دارند.

۲- ارائه پاسخ از سوی دانش‌آموزان: اگر دانش‌آموزان، آمادگی ذهنی کاملی درباره موضوع نداشته باشند، می‌توان به آن‌ها فرصتی داد تا درباره موضوع فکر کرده یا اطلاعاتی جمع‌آوری کنند و در یک زمان معین (مثلاً جلسه بعدی) بحث و گفت‌وگو صورت گیرد.

۳- روش حل مسئله: در این روش، با ارائه سؤالاتی از طرف معلم، یادگیرندگان در موقعیتی مسئله‌دار قرار می‌گیرند و یا خود را در چنین موقعیتی می‌یابند. سؤالاتی که با تکرار آن‌چه که دانش‌آموزان قبلاً یاد گرفته‌اند، نتوانند آن‌ها را جواب دهند یعنی سؤالاتی که دانش‌آموزان را به اندیشیدن وادار کند. حل مسئله را می‌توان به صورت فرایندی در نظر گرفت که به وسیله آن، یادگیرنده ترکیبی از قواعد پیش‌تر آموخته شده را کشف می‌کند و می‌تواند برای رسیدن به راه‌حلی برای یک موقعیت جدید از آن‌ها بهره‌گیرد و در طی این فرآیند به یادگیری جدید نایل شود. این موضوع تازه آموخته شده، یک قاعده یا قانون رده بالاتر است که یادگیرنده را قادر می‌سازد سایر مسایل از این نوع را حل کند.

مراحل تدریس

۱- ارائه و بیان مسئله

۲- ارائه فرضیه

۳- تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های چند نفره یا به صورت انفرادی برای ارائه و بررسی راه‌حل‌های

موجود

۴- ارائه گزارش هر گروه در مورد راه‌حل پیشنهادی

۵- تأیید یا رد فرضیات با توجه به مباحث مطرح شده توسط گروه‌ها (مرحله نتیجه‌گیری)

۶- تعمیم فرضیات تأیید شده به موارد مشابه

۷- روش‌های همیاری

الف) بحث گروهی: از روش‌های فعال و مشارکتی تدریس روش بحث گروهی است. در این

روش گروه‌های دانش‌آموزی نقش محوری دارند. اعضای هر گروه با نظارت و هدایت معلم به گفت‌وگو درباره موضوع تعیین شده می‌پردازند و سپس جمع‌بندی کار گروهی را به کلاس ارائه می‌کنند. پس از ارائه همه یا تعدادی از گروه‌ها، معلم با توضیحات خود یافته‌های گروهی را در جهت اهداف درس هدایت می‌کند. گروه‌بندی مناسب و متعادل دانش‌آموزان، تعیین دستور کار گروه‌ها، نظارت بر کار آن‌ها و مدیریت زمان از جمله نکات مهم در اجرای این روش است.

مراحل تدریس

- ۱- انتخاب موضوع مورد بحث
- ۲- بیان هدف‌های آموزشی بحث
- ۳- ابراز نظر همه اعضا درباره موضوع مورد بحث
- ۴- انتخاب دو نمونه پاسخ که یکی به پاسخ مسئله مورد بحث نزدیک‌تر و دیگری دورتر است با ذکر دلیل توسط دانش‌آموزان مطرح‌کننده
- ۵- نظرخواهی از دانش‌آموزان درباره پاسخی که به نظر مناسب است و انجام بحث و گفت‌وگو در این زمینه

۶- هدایت جریان بحث به سوی پاسخ مناسب و نتیجه‌گیری از بحث

۷- ارزش‌یابی فعالیت‌های دانش‌آموزان شرکت‌کننده در بحث

ب) تدریس/اعضای تیم: در این روش، کلیه دانش‌آموزان به جای معلم در تدریس درس شرکت دارند. ویژگی اصلی این روش، مشارکت فعال دانش‌آموزان در انتقال مفاهیم و مطالب درسی به سایر دانش‌آموزان است.

در یادگیری از طریق همیاری، نظارت افراد گروه باعث کارآمد شدن یادگیری می‌شود. یکی از هدف‌های یادگیری از طریق این روش این است که دانش‌آموزان یاد بگیرند با هر کسی کار کنند و از این طریق موجب بالارفتن پیشرفت تحصیلی فراگیران و ایجاد ارتباط مثبت و انتقال تجاربی می‌شود که به آن‌ها نیاز دارند. وقتی دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف مشترکی کار می‌کنند. فعالیت آموزشی تبدیل به فعالیتی می‌شود که تمام همسالان به آن ارزش می‌دهند و دانش‌آموزان انگیزه مند می‌شوند تا به یادگیری هم‌دیگر کمک کنند.

مراحل تدریس

- ۱- تشکیل تیم‌های ۶ نفره
- ۲- تقسیم هر درس به اجزای مختلف

۳- مطالعه هر بخش توسط یکی از اعضای تیم

۴- بحث و بررسی پیرامون مطالب هر بخش توسط اعضای از هر تیم که آن بخش مشترک را مطالعه کرده‌اند (تشکیل گروه تخصصی)

۵- بازگشت هر فرد به تیم خود

۶- توضیح برای هم تیمی‌ها به نوبت (از آنجا که تنها راه فراگیری بخش‌ها، شنیدن دقیق توضیحات هم تیمی‌هاست، انگیزه توجه به مطالب و کار هم تیمی‌ها در سایرین تقویت می‌شود).

ج) طرح کارآیی تیم: در این روش موضوع درسی در قالب متن ارائه می‌شود. بعد سؤالاتی داده می‌شود که محتوا را تحت پوشش قرار می‌دهد. می‌توان دو نوع سؤال طرح کرد که یکی را در خود طرح یادگیری و دیگری را در پس‌آزمون به منظور ارزیابی درک فردی مورد استفاده قرار داد. سؤال یا سؤالات باید طوری طرح شوند که از فراگیر بخواهد موضوعی را به گونه‌ای به کار ببرد، نتیجه‌گیری کند و یا از اصولی که قبلاً ارائه شده، استنباطی داشته باشد بنابراین، سؤالات باید طوری باشند که گرفتن نمره خوب نتیجه‌گوش دادن، تفکر کردن، مباحثه، ارزیابی شواهد و ... باشد.

مراحل تدریس

۱- متن درسی برای مطالعه فردی فراگیران مشخص و سؤال یا سؤالات در اختیار آنان قرار می‌گیرد تا پاسخ دهند.

۲- پس از پاسخ‌گویی فردی به سؤالات، در تیم‌ها بحث صورت می‌گیرد تا اعضای تیم درباره بهترین پاسخ به هر سؤال به توافق برسند. معیار اعتبار این است که پاسخ با آن چه در متن آمده است و یا از آن استنباط می‌شود، مطابقت کند.

در جریان بحث اعضای تیم باید تفاوت بین «من با آن مخالفم» و «تواستباه می‌کنی» را به خاطر داشته باشند. پس از اتمام بحث، پاسخ سؤالات ارائه می‌شود و به پاسخ‌های فردی از فعالیت اولیه و پاسخ‌های توافقی تیم نمره داده می‌شود.

ه) روش بارش مغزی: در این روش که به آن روش ایده‌های آنی یا روش ذهن‌انگیزی هم گفته می‌شود، دانش‌آموزان با آزادی تمام، کلیه مطالبی را که در مورد موضوع به ذهنشان می‌رسد، فوراً بیان می‌کنند. بنابراین، دانش‌آموز به‌طور ناخودآگاه و فوری از یافته‌ها و دانسته‌های قبلی خود استفاده می‌کند و آن‌ها را به کلاس ارائه می‌دهد و به تدریج دانش‌آموزان، مجموعه جملات و کلماتی را بیان می‌کنند که تمامی آن‌ها در کنار یک‌دیگر می‌تواند بخش عمده‌ای از مطالب مرتبط با سرفصل مربوطه را ارائه دهد. با استفاده از روش بیان افکار و ایده‌های آنی می‌توان به دانسته‌های دانش‌آموزان

از یک مطلب پی برد، متن کتاب درسی را غنای بیش‌تری بخشید و دریافت دانش‌آموزان را از یک موضوع، ارزش‌یابی کرده و بالاخره دانش‌آموزان را تشویق نمود تا در فضایی دوستانه به مبادله و ارائه دانش‌ها و دانسته‌های خود بپردازند.

مراحل تدریس

- ۱- ارائه یک عنوان (موضوع) از سوی معلم به دانش‌آموزان
- ۲- بیان فوری مطالب، کلمات و جملاتی در مورد عنوان از طرف دانش‌آموز
- ۳- نوشتن مطالب دانش‌آموزان بر روی تابلو توسط معلم
- ۴- جمع‌بندی مطالب
- ۵- نتیجه‌گیری

در این روش قوانین خاصی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- انتقاد ممنوع است زیرا هدف از یورش فکری این است که در کم‌ترین زمان، بیش‌ترین ایده‌ها تولید شود و در صورتی که این فرایند با انتقاد یا اظهارنظر در مورد ایده‌ها (هنگام تولیدشان) قطع شود، این هدف تحقق نمی‌یابد.
- ۲- از روانی تفکر استقبال می‌شود. ایده‌ها هرچه بکرتر باشد، بهتر است.
- ۳- ترکیب و بهبود ایده‌ها دنبال می‌شود و اعضای گروه تشویق می‌شوند از ایده‌های یک‌دیگر استفاده کنند و آن‌ها را باهم ترکیب کنند.
- ۴- کمیت مورد نظر است. هر چه ایده‌ها بیش‌تر باشد، شانس رسیدن به بهترین راه حل بیش‌تر است.

۸- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

ارزش‌یابی فرآیندی است که دربارهٔ ارزش، مطلوبیت، مؤثر بودن و یا کیفیت چیزی طبق ملاک‌ها و مقاصد معین قضاوت و داوری می‌شود.

ارزش‌یابی، یک فرآیند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات است که تعیین می‌کند هدف‌های موردنظر تا چه میزانی تحقق یافته‌اند یا درحال تحقق یافتن هستند. ارزش‌یابی یکی از ارکان مهم آموزش و پرورش است و نقش آن به‌طور اخص نظارت بر تغییرات رفتاری دانش‌آموزان و به‌طور اعم نظارت بر کارآیی سایر عناصر آموزش و پرورش (هدف، برنامه، روش و ...) است. ملاک مهم برای انجام ارزش‌یابی درست، هدف‌های آموزشی است؛ بنابراین، ارزش‌یابی باید

متناسب با اهداف و انتظارات آموزشی باشد و روش‌ها و ابزارهای آن باید به گونه‌ای انتخاب شوند که امکان اندازه‌گیری و قضاوت در مورد میزان تغییرات حاصل را در دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان میسر سازد.

در رویکرد جدید آموزش منطقی، اهداف در سه حیطه «دانش، مهارت و نگرش» مطرح می‌شود. بدیهی است، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز باید به صورتی طراحی شود که ناظر بر هر سه زمینه سابق الذکر باشد.

الف) نوع ارزش‌یابی

۱- ارزش‌یابی مستمر: با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزش‌یابی مناسب با این درس، ارزش‌یابی مستمر می‌باشد. ارزش‌یابی مستمر یا تدریجی و تکوینی به معنای ارزش‌یابی بر اساس آزمون‌های پایانی ولی در مقیاس کوچک‌تر و با تعداد بیش‌تر نیست، بلکه به معنای ارزش‌یابی «تکوینی»، «رشد دهنده» و «سازنده» است.

خصلت عمده این ارزش‌یابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزش‌یابی در جهت رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه این که از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزش‌یابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا بر اساس آن اطلاعات بتواند مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزش‌یابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است.

ارزش‌یابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

- این ارزش‌یابی جزئی از فرایند آموزش است.

- به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.

- در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.

- دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت

می‌کند.

- معلم را قادر می‌سازد تا به‌طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و

عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.

– معلم را در فرایند تجربه اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علایق دانش‌آموزان را شناسایی کند، سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آن‌ها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.

– معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزش‌یابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزش‌یابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.

– ارزش‌یابی مستمر، دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آن‌ها یکسان نیست اما نباید تصور شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی را خود انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

با توجه به آنچه دربارهٔ ارزش‌یابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل اساسی زیر وابسته است:

– بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان

– درگیر کردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری

– استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس

– درک و توجه به تأثیر غیر قابل‌تردیدی که شیوهٔ سنجش و ارزش‌یابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دارد.

– توانا کردن دانش‌آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.^۱

دبیر محترم باید از قبل برای خود مشخص کند که کدام یک از فعالیت‌های دانش‌آموز یا محتوای درس را باید در ارزش‌یابی مورد توجه قرار دهد و بر آن‌ها تأکید کند.

برای ثبت نمرات ارزش‌یابی مستمر باید از جدولی مانند آنچه در صفحات بعد ارائه شد استفاده شود. کلاسی را در نظر می‌گیریم که دبیر گاهی از روش گروهی و گاهی از روش‌های دیگر استفاده می‌کند. هنگام استفاده از روش گروهی، اگر پاسخ‌فعالیتی را از نمایندهٔ یک گروه دریافت کرد نمرهٔ مربوط به این گروه را جلوی اسم همهٔ اعضای گروه می‌گذارد. این امر اگر چه ممکن است به ضرر برخی و به نفع برخی دیگر تمام شود اما سبب تقویت همکاری و احساس مسئولیت اعضا نسبت به یکدیگر می‌شود و سبب می‌شود که دانش‌آموزان قوی‌تر به یاری دانش‌آموزان ضعیف‌تر بیایند. البته، دبیر این تذکر را می‌دهد که پس از مشخص شدن اعضای فعال تر هر گروه نمرهٔ خاصی برای آن‌ها در نظر می‌گیرد تا کاستی‌ها جبران شود.

هر دانش‌آموز در گروه خود باید فعال باشد و پاسخی را که گروه آماده می‌کند، یاد بگیرد. دبیر هم

۱- طاهره رستگار، ارزش‌یابی در خدمت آموزش، ص ۱۲۳. (از ارزش‌یابی مستمر تا این قسمت)

می تواند، پاسخ گروه را از یک دانش آموز خاص بپرسد تا ببیند که آیا او پاسخ را آموخته یا نه و سپس برای او نمره ای را ثبت کند.

از آنجا که دبیر همواره مشغول راهنمایی و هدایت کلاس است، بهتر است ثبت نمره را به یکی از دانش آموزان واگذار کند.

برگه ثبت نمرات دارای چهار ستون اصلی به شرح زیر است :

۱- یادگیری متن درس : سه نمره

۲- انجام فعالیت های داخل درس : سه نمره

۳- مشارکت و همکاری : دو نمره

۴- حل تمرین ها : سه نمره

نمونه برگه ارزشیابی مستمر برای هر نوبت

جمع نمره مستمر	حل تمرین ها			مشارکت و همکاری			انجام فعالیت های داخل درس			یادگیری متن درس			نام و نام خانوادگی	ردیف
	معدل			معدل			معدل			معدل				

یادگیری متن درس : در پایان هر جلسه دبیر از دانش آموزان می خواهد درس تدریس شده را به طور دقیق مطالعه کنند؛ در شروع هر جلسه توانایی دانش آموزان را از یادگیری متن درس گذشته می سنجد تا اطمینان حاصل کند که یادگیری از درس مورد نظر اتفاق افتاده است یا نه. دبیران محترم توجه داشته باشند که در طرح سؤال ها، دانش آموزان را به سمت انباشت اطلاعات و حفظ کردن متن کتاب سوق ندهند، بلکه به توانایی تفکر، استنباط، ارزیابی و در یک کلام به قدرت تعقل آن توجه کنند. سه نمره از یازده نمره به این قسمت اختصاص دارد.

انجام فعالیت های داخل درس : در متن هر درس فعالیت های گوناگونی مانند : (نمونه یابی، بررسی، تفکیک، تطبیق و ... طراحی شده است که دانش آموزان با کار فردی یا گروهی باید بدان پاسخ دهند. هر نوع فعالیت علمی در درس مورد نظر مربوط به این قسمت می شود. سه نمره از یازده نمره به این بخش اختصاص دارد.

مشارکت و همکاری: این مشارکت بیانگر علاقه دانش آموز به درس و فراهم کننده زمینه توجه

دقیق تر به موضوعات است. دو نمره از یازده نمره به این قسمت اختصاص دارد.

حل تمرین ها: در پایان هر درس تمرین هایی طراحی شده است؛ باید تک تک دانش آموزان قادر

باشند به تمرین ها پاسخ دهند. دبیر محترم نباید فقط از دانش آموز بخواهد که پاسخ تمرین ها را در دفتر

حل تمرین بنویسد بلکه باید از او بخواهد در کلاس با دلیل پاسخ تمرین ها را ارائه نماید.

۲- ارزش یابی پایانی: این ارزش یابی که به ارزش یابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است،

در پایان هر دوره آموزشی انجام می شود و معلم با استفاده از آن، آموخته های دانش آموزان را ارزیابی

می کند. این ارزش یابی معمولاً با هدف تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه بندی یا اعطای امتیازات

معین انجام می گیرد. در این نوع ارزش یابی می توان یادگیری متراکم فراگیران را در طول یک دوره

آموزشی اندازه گیری کرد. این نوع ارزش یابی نمونه کاملی از محتوای درس و اهداف آموزشی را در

بر می گیرد و در پایان هر نیم سال به صورت کتبی و بر اساس بارم بندی مشخص انجام می شود.

نمره کل بر اساس میانگین مستمر و پایانی، هر کدام به میزان ۵۰٪ تنظیم می شود.

ب) روش ها و ابزارهای ارزش یابی

برای اندازه گیری دقیق پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان، لازم است بر حسب انواع روش های تدریس

و ارزش یابی از ابزارهای مختلف استفاده شود:

۱- انواع آزمون ها مثل آزمون های تشریحی، چندگزینه ای و ...

۲- فعالیت های کلاسی شامل ارائه گزارش های کتبی و شفاهی از طرف یادگیرندگان به صورت

فردی یا گروهی، انجام دادن تحقیق و شرکت در جلسات بحث و گفت و گو.

۳- چک لیست برای ارزش یابی از فعالیت یادگیرندگان که لازم است به گونه ای تهیه شود

که متناسب با موضوع درسی باشد. معلم برای ایجاد سهولت در ثبت مشاهدات، فهرستی از حدود

انتظارات خود را در هنگام انجام هر فعالیت توسط دانش آموز به صورت چک لیستی تنظیم می کند و

ارزش یابی فردی یا گروهی از دانش آموزان را بر اساس حاصل کار آن ها فراهم می نماید. فعالیت های

زیر نمونه هایی هستند که معلم می تواند در هنگام ثبت مشاهدات در نظر داشته باشد و میزان توانایی و

موفقیت دانش آموزان را ارزش یابی نماید:

درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب باهم و با کل مطلب، جمع آوری اطلاعات درباره

یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک

مجهول، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت ها، بیان داستان، بیان نتیجه گیری از

داستان و یک واقعه، اعلام نظر درباره عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند مفهوم پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تحقیق پیرامون یک موضوع، بیان شباهت‌ها، ذکر تفاوت‌ها، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ج) توصیه‌های مهم درباره ارزش‌یابی: برای انجام دادن هر چه بهتر فرایند ارزش‌یابی توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان به جز موارد محدود و ضروری، حفظ کردن عین محتوای کتاب درسی ملاک قضاوت قرار نگیرد. بلکه بیان مفهوم و چارچوب موضوع مورد پرسش و اشاره به نکات اصلی آن با هر زبانی کافی است. این مسئله به ویژه برای ارزش‌یابی در سطوح بالاتر یادگیری (مانند نقد و بررسی) اهمیت دارد.

۲- ارزش‌یابی نباید کل فرایند آموزش را تحت تأثیر خود قرار دهد، بلکه باید در مقام بخشی از برنامه آموزشی در نظر گرفته شود. به همین دلیل تکرار بیش از اندازه ارزش‌یابی‌های کتبی و یا تبدیل محتوای کتاب درسی به مجموعه‌ای از سؤال و جواب و ملاک قرار دادن آن برای ارزش‌یابی کاری ناصواب است.

۳- انواع ارزش‌یابی‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری در نظر گرفته شده در برنامه، مورد استفاده قرار گیرد.

۴- برای طراحی پرسش‌های امتحانی فقط به آن چه در کتاب درسی به عنوان نمونه آورده شده، بسنده نشود و همه محتوای مد نظر قرار گیرد.

در تنظیم برنامه امتحانات پایانی حداقل یک روز فرصت برای مطالعه دانش‌آموزان در نظر گرفته

شود.

نمونه برگه ارزشیابی مستمر برای هر نوبت

جمع نمره مستمر	حل تمرین‌ها				مشارکت و همکاری				انجام فعالیت‌های داخل درس				یادگیری متن درس				نام و نام خانوادگی	ردیف
	معدل				معدل				معدل				معدل					



بخش دوم

ساختار کلی برنامه



۱- اهداف برنامه

الف) اهداف مادهٔ درسی در دوره و پایه‌های تحصیلی

دانشی :

جزئی	کلی
۱- آشنایی با تاریخچه منطق ۲- آشنایی با منطق به‌عنوان قانون اندیشیدن ۳- آشنایی با اجتناب‌ناپذیر بودن کاربرد منطق ۴- آشنایی با انواع شناختن و شناساندن	۱- آشنایی با برخی از اهم موضوعات منطق
۱- آشنایی با اجزاء تعریف ۲- آشنایی با انواع تعریف ۳- آشنایی با برخی اصطلاحات در منطق تعریف (کلیات خمس)	۲- آشنایی با منطق تعریف
۱- آشنایی با چرایی استدلال ۲- آشنایی با استدلال صحیح ۳- آشنایی با قضا یا ترکیب آنها ۴- آشنایی با بعضی احکام قضا یا ۵- آشنایی با انواع استدلال ۶- آشنایی با برخی اصطلاحات در منطق استدلال ۷- آشنایی با انواع قیاس (اقرانی، استثنایی، مستقیم و خلف)	۳- آشنایی با منطق استدلال
۱- آشنایی با مادهٔ استدلال ۲- آشنایی با برهان ۳- آشنایی با جدل ۴- آشنایی با خطابه ۵- آشنایی با شعر ۶- آشنایی با مغالطه	۴- آشنایی با مادهٔ قیاس

نگرشی :

کلی	جزئی
<p>۱- توجه به تعقل منطقی و جایگاه آن در فلسفه، علوم و زندگی روزمره</p> <p>۲- توجه به کارکرد طبیعی ذهن و فرایند منطقی آن</p>	<p>۱- توجه به منطق به عنوان قانون اندیشیدن</p> <p>۲- توجه به اهمیت علم منطق و جایگاه ویژه آن در تفکر حصولی</p> <p>۳- توجه به اهمیت تعریف در روشن سازی مفاهیم و اصطلاحات و احتراز از برخی منازعات بی حاصل</p>
<p>۳- توجه و علاقه مندی نسبت به فرایند صحیح استدلال و احتراز از انواع مغالطه</p>	<p>۱- توجه و علاقه مندی به تدقیق در صحت منطقی استدلال و اهمیت آن در فرایند هر گونه تحقیق و نیز احتراز از مغالطه</p>

مهارتی :

کلی	جزئی
<p>۱- کسب توانایی در حصول تمایز منطقی میان مفاهیم</p> <p>۲- کسب توانایی در تعریف صحیح</p>	<p>۱- توانایی بیان قانون مندی های ذهن و کاربرد آن در تفکر روزانه</p> <p>۲- بیان انواع شناختن و تشخیص تفاوت های آنها</p> <p>۳- تشخیص اقسام تعریف و توانایی بازشناسی تعریف صحیح از ناصحیح</p> <p>۴- به کارگیری اصطلاحات خاص منطقی در موارد ضروری</p>
<p>۳- کسب مهارت در به کارگیری قواعد منطقی در فلسفه</p> <p>۴- توانایی در به کارگیری استدلال در زندگی روزانه و علوم</p>	<p>۱- تحلیل وقوع خطا در فکر و فایده منطق در تشخیص و رفع آن با ذکر مثال</p> <p>۲- تشخیص اقسام قضیه و کاربرد احکام قضایا</p> <p>۳- تبیین چرایی و چگونگی استدلال</p> <p>۴- توانایی در تشخیص شکل استدلال صحیح از غلط</p> <p>۵- تشخیص انواع استدلال و اقسام قیاس و توانایی در کاربرد قواعد استنتاج</p>
<p>۵- تشخیص انواع مواد قیاس و کاربرد مناسب آن ها در استدلال</p>	<p>۱- به کارگیری مناسب ماده قیاس</p> <p>۲- توانایی اولیه در استفاده از برهان</p> <p>۳- تشخیص مغالطه و پرهیز از مغالطات</p> <p>۴- توانایی در گفت و گو و بحث و مناظره صحیح در مسائل فکری و اجتماعی</p>

۲- محتوای برنامه

الف) مفاهیم اساسی

ردیف	مفاهیم اساسی	توضیح
۱	چیستی منطق	در ذیل مفهوم تاریخچه منطق، منطق به عنوان قانون اندیشیدن، دلیل نیاز به منطق، انواع شناختن و شناساندن مورد بحث قرار می‌گیرد.
۲	منطق تعریف	در این قسمت طبیعت خدادادی اندیشیدن، تعریف کردن، اجزاء تعریف، انواع تعریف، شرایط تعریف، نسبت‌های چهارگانه و برخی اصطلاحات منطقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۳	منطق استدلال	در ذیل این عنوان طبیعت خدادادی اندیشیدن و استدلال کردن، قضایا و ترکیب آنها، چرایی استدلال، عوامل اشتباه، انواع استدلال و برخی اصطلاحات منطق استدلال تبیین می‌گردد.
۴	مواد قیاس	در ذیل این عنوان، ماده برهان، مغالطه و جدل مورد بحث قرار می‌گیرد.

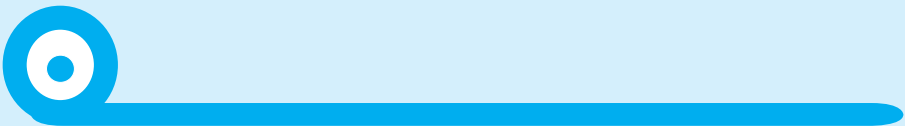
ب) جدول وسعت و توالی مفاهیم جزئی

ردیف	مفاهیم اساسی	مفاهیم جزئی سال سوم متوسطه
۱	چیستی منطق	تعریف منطق، موضوع منطق، اهمیت و فایده منطق، مصنف منطق، جایگاه منطق و نسبت آن با علوم دیگر، منطق به عنوان قانون اندیشیدن، علت نیاز به منطق
۲	منطق تعریف	تعریف به مثابه یک کارکرد طبیعی ذهن، مفهوم کلی و مفهوم جزئی، نسب اربع، کلیات خمس، مفهوم و مصداق، اقسام تعریف، شرایط تعریف و اجزاء تعریف
۳	منطق استدلال	استدلال یک فرایند طبیعی و ذاتی ذهن، قضیه، اقسام قضیه، اجزاء قضیه حملی، اقسام قضیه حملی، حمل و اقسام مختلف آن، قضایای شرطی و انواع آن (منفصل و متصل)، احکام قضایا (عکس، تقابل و انواع آن) اقسام استدلال (قیاس، استقراء، تمثیل) قیاس اقترانی و استثنایی، اشکال چهارگانه
۴	مواد قیاس	برهان، جدل و مغالطه، مواد برهان (یقینیات) اقسام برهان (لمّی و اتّنی) ماده جدل (مشهورات و مسلمات) ماده خطابه، ماده شعر، ماده مغالطه (مشبهات)



بخش سوم

ساختار کتاب منطق
سال سوم متوسطه



منطق متداول در فرهنگ اسلامی ما، به چند معنا ارسطویی است: (۱) منطق ما بسط و تفصیل منطقی است که ارسطو مدوّن آن است. (۲) منطق ما بر مبانی متافیزیک ارسطویی مبتنی است و از این جهت با منطق جدید، که فرگه^۱ آلمانی مدوّن آن است، در تخالف زیاد است؛ اگرچه منطق جدید از این جهت که منطق قیاس است، مانند منطق ارسطویی است و لکن به دلیل اینکه بر مبانی خاصی متکی است، در مسائل عقلی از منطق ارسطو فاصله گرفته است. عدم توجه به این نکته موجب خلط مباحث و کج فهمی هر دو نظام منطقی می‌شود. وقتی حکیمان مسلمان به مجموعه^۲ نه بخشی منطق دست یافتند؛ آن را موضوع درس و شرح قرار دادند، شفای بوعلی سینا را می‌توان نمونه‌ای از شرح مفصل بر منطق نه بخشی انگاشت. شیخ‌الرئیس بوعلی سینا، تحوّل مهمی در منطق ارسطویی ایجاد کرد و منطق دو بخشی را مطرح کرد: منطق تعریف و منطق استدلال. منطق دو بخشی علاوه بر دقت فراوان، هویت صوری بودن منطق را بیش از منطق نه بخشی نشان می‌دهد. لذا منطق دو بخشی به جهت استواری منطقی و هم از حیث سهولت در آموزش، اساس برنامه‌ریزی درس منطق سال سوم قرار گرفته و ساختار کتاب به این شیوه تدوین شده است.

۱- ساختار کتاب منطق سال سوم

— رابطه انسان و تفکر



جایگاه قضیه در استدلال

قضیه چیست؟
 حملی }
 اقسام قضیه }
 شرطی }
 ساختمان قضایای حملی و شرطی

اقسام قضایای حملی

حقیقی }
 منفصل }
 مانعة الجمع }
 اقسام قضایای شرطی }
 متصل }
 مانعة الخلو }

اقسام قضایای حملی و شرطی

تضاد }
 تناقض }
 تقابل }
 تداخل }
 تداخل تحت تضاد

جدول تقابل تضاد }
 جدول تقابل تناقض }
 جدول تقابل تداخل }
 جدول تقابل تحت تضاد }
 جدول های احکام قضایا

عکس مستوی }
 رابطه عکس }
 عکس نقیض }

احکام قضایای حملی

بخش دوم
 تصدیقات:

استدلال

تمثیل }
 استقرا }
 اقسام استدلال }
 قیاس }
 شکل های مختلف

حملی }
 اقترانی }
 شرطی }
 استثنایی }
 اقسام قیاس

ضروب مختلف چهار شکل }
 شرایط نتیجه بخش بودن ضروب }
 چگونگی اثبات ضروب منتج }

ارزش قیاس : برخی ایرادات وارد بر منطق و پاسخ به آنها

برهان
جدل
خطابه
شعر

} محتوای استدلال

— مغالطه

۲- ساختار دروس

ساختار هر درس رابطه مستقیمی با رویکردها، اهداف و روش‌هایی دارد که در آن درس به آن توجه شده است. اتخاذ رویکرد «پرورش مهارت تفکر» در آموزش منطق، روش‌ها و اصول زیر را به دنبال دارد :

۱- انتخاب روش فعال تدریس، ایجاد فرصت تفکر و تعقل و اظهار نظرهای انفرادی به دانش‌آموز، ایجاد فرصت برای فعالیت مشارکتی و گروهی. دانش‌آموز وقتی که قدرت آموزش منطق را در حل مسائل عینی زندگی و سنجش آراء خود و دیگران مشاهده کند با توجه به اینکه سن وی سن دردها و تصمیم‌هاست چنین ابزاری را ارج خواهد نهاد.

۲- استفاده از ساده‌ترین زبان. زبان پیچیده و آکنده از اصطلاحات نامفهوم و نامأنوس مانع فهم آموزه‌های منطق و سبب رکود توانایی اندیشیدن است. استفاده از مثال‌ها و نمونه‌های عینی و سعی در محسوس کردن مفاهیم معقول، نقش فراوانی در ساده‌سازی آموزش منطق دارد اما اعمال آن دقت و بصیرت کافی می‌طلبد، زیرا مثال در آموزش منطق تنها برای تقریب مطلب به ذهن شایسته است. اما تأکید بیش از حد منجر به مغالطه می‌شود در حالی که یکی از مهمترین اهداف آموزشی منطق پیشگیری و درمان مغالطه است.

۳- به کار گرفتن دقیق و صحیح مفاهیم علم منطق؛ این ویژگی با سادگی زبان منافات ندارد.

۴- در آموزش منطق رعایت ترتیب تعلیمی و عبور تدریجی از مفاهیم ساده به پیچیده ضروری است. نباید مباحث مسبق به تصور مفاهیم و یا تصدیق اموری باشد که هنوز در باب آنها سخن گفته نشده است؛ بهتر آن است که در نخستین مواجهه با مفهوم منطقی آن را به سادگی تعریف کرد.

۵- برنامه آموزش منطق باید خود الگوی نظم باشد. مباحثی که نقش مبادی و مقدمات دارند، باید ابتدا طرح شود و مباحثی که منطقیاً بر آنها مبتنی است باید متأخر باشد. نظم منطقی نقش مؤثری در

بالندگی تفکر دارد و به همین دلیل وجود نظم منطقی در برنامه آموزشی منطبق ضرورت دارد آنچه که در این مقام اهمیت دارد سازگاری دو گونه نظم در برنامه آموزشی است: ترتیب تعلیمی که ملاک آن عبور از سادگی به پیچیدگی است و ترتیب منطقی که ملاک آن عبور از مبادی و مقدمات به توابع و نتایج است. تقدم مباحث منطبق تعریف بر منطق استدلال در برنامه آموزشی منطبق از مهمترین مصداق‌های ترتیب منطقی است.

۶- در هر درس فعالیت‌هایی با نام‌هایی مانند «تفکر»، «تطبیق»، «مقایسه» و «نمونه‌یابی» گنجانیده شده است. دانش‌آموزان، این فعالیت‌ها را به صورت گروهی یا انفرادی انجام می‌دهند و نتیجه کار خود را در کلاس عرضه می‌کنند. برخی از این فعالیت‌ها که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، واگرا هستند و جواب‌های مشخصی را از دانش‌آموزان نخواسته‌اند و اگر پاسخ معینی از جانب دبیر به آنها داده شود، با هدف طراحی آن فعالیت‌ها متناقض خواهد بود. این فعالیت‌ها فقط یک بار در کلاس طرح می‌شوند و طرح سؤال کتبی در امتحانات پایانی و نهایی از آنها ممنوع است تا دانش‌آموزان ناچار نشوند فقط یک پاسخ برای آن‌ها تهیه کنند.

۷- آنچه در هر درس با عنوان «برای مطالعه» آمده و نیز مطالبی که در پاورقی ذکر شده، جزء محتوای آموزشی نیست و صرفاً برای افزایش اطلاعات دانش‌آموزان است و نمی‌توان بخشی از زمان تدریس و فعالیت دانش‌آموزی را بدان اختصاص داد. به همین جهت در ارزش‌یابی مستمر و پایانی از این مطالب سؤالی طرح نمی‌شود. با توجه به موارد فوق، هرگونه تقاضای آموزشی که خارج از محدوده موارد ذکر شده باشد، ظرفیت زمانی، حجم محتوای آموزشی و رویکرد پیش‌بینی شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ دبیر و دانش‌آموز را با تناقض در رویه‌ها روبه‌رو می‌کند و نارضایتی هر دو را به وجود می‌آورد و اهداف و اصول پیش‌بینی شده را مخدوش می‌سازد.

از این رو لازم است دبیران محترم هر قسمت از محتوای کتاب را با توجه به کاربرد خاص آن قسمت مورد استفاده قرار دهند و هیچ بخشی را اضافی تلقی نکنند. روش صحیح دبیران می‌تواند به اصلاح برخی رفتارها و رویه‌های غلط، از جمله درس خواندن برای نمره یا قبولی در آزمون سراسری کمک کند و ارزشمندی کسب دانش را در دانش‌آموزان تقویت نماید.

مواردی از درس اول که باید ارزشیابی شوند عبارتند از:

۱- تبیین تفاوت انسان با مخلوقات دیگر

۲- ملاک برتری انسان نسبت به مخلوقات دیگر

۳- توضیح معنای نطق

۴- مقایسه یکی از اعضای بدن با ذهن انسان

۵- توضیح درباره علم منطق

۶- انجام فعالیت‌های داخل درس

۷- مشارکت فعال در مراحل یاددهی - یادگیری

۸- حل تمرین‌های پایان درس

دانش آموز الف را که در گروه «اول» فعالیت می‌کند، در نظر می‌گیریم و وضعیت ثبت نمره او را از ابتدا تا نوبت اول از نظر می‌گذرانیم. ردیف مربوط به این دانش آموز به صورت زیر قابل نمایش است:

این دانش آموز در درس اول فعالیت‌های زیر را انجام داده است:

- تفاوت انسان نسبت به مخلوقات دیگر و ملاک برتری او را بیان کرده و نمره ۳ گرفته است.

- دو سؤال دبیر را پاسخ گفته و مشارکت فعال داشته است. لذا نمره ۲ گرفته است.

نمونه برگه ارزشیابی مستمر برای هر نوبت

ردیف	نام و نام خانوادگی	یادگیری متن درس			انجام فعالیت‌های داخل درس			مشارکت و همکاری			حل تمرین‌ها			جمع نمره مستمر
		معدل			معدل			معدل			معدل			
۱	«الف»				۳			۲						

در درس پنجم فعالیت‌های زیر را انجام داده است:

- به سؤالات دبیر با هدف یادگیری متن درس به درستی پاسخ داده و نمره ۳ گرفته است.

- فعالیت‌های داخل متن درس را انجام داده و نمره ۳ گرفته است.

- تمرین‌های پایان درس را با دلیل پاسخ گفته و نمره ۳ گرفته است.

نمونه برگه ارزشیابی مستمر برای هر نوبت

ردیف	نام و نام خانوادگی	یادگیری متن درس			انجام فعالیت‌های داخل درس			مشارکت و همکاری			حل تمرین‌ها			جمع نمره مستمر
		معدل			معدل			معدل			معدل			
۱	«الف»			۳			۳							

در درس سوم فعالیت‌های زیر را انجام داده است :

– دبیر، نحوه همکاری در گروه مشارکت او را در کلاس زیر نظر گرفته و نمره ۲ به او داده است.

– فعالیت تفکیک و تطبیق صفحات ۱۴ و ۱۵ را به صورت فردی انجام داده و دبیر پاسخ او را صحیح تشخیص داده و به او نمره ۳ داده است.

نمونه برگه ارزشیابی مستمر برای هر نوبت

ردیف	نام و نام خانوادگی	یادگیری متن درس			انجام فعالیت‌های داخل درس			مشارکت و همکاری			حل تمرین‌ها			جمع نمره مستمر
		معدل			معدل			معدل			معدل			
۱	«الف»						۳			۲			۳	

این روند تا پایان نوبت اول ادامه می‌یابد و در پایان آن، نمرات ثبت شده در هر ستون اصلی، معدل گیری می‌شوند و با هم جمع می‌شوند. فرض می‌کنیم وضعیت معدل دانش‌آموز «الف» در هر ستون در پایان نوبت اول به شرح زیر است :

– یادگیری متن درس : ۳ نمره

– انجام فعالیت‌های داخل درس : ۲ نمره

– مشارکت و همکاری : ۲ نمره

– حل تمرین‌ها : ۳ نمره

– جمع نمرات دانش‌آموز، ۱۰ بر مبنای ۱۱ است. آن‌گاه این نمره را با نمره مستمر درس فلسفه دانش‌آموز که بر مبنای ۹ است جمع و بر اساس جدول زیر محاسبه می‌نماییم.

نمره سالانه	نوبت دوم		نوبت اول	
	مجموع نمرات ارزشیابی‌ها با ضریب تقسیم برده	نمره ارزشیابی پایانی	نمره ارزشیابی مستمر	نمره ارزشیابی پایانی
ضریب ۶		ضریب ۱	ضریب ۲	ضریب ۱